

فرا تحلیل مطالعات هوش معنوی

* محمد فرهوش
** حسن تقیان
*** محمدعلی جمشیدی
*** رقیه کشمیری

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین سازه‌های همبسته با هوش معنوی در مقالات فارسی انجام شده است. بدین منظور مقالات مرتبط در پایگاه داده‌های مقالات جهاد دانشگاهی، نورمگز و پرتال جامع علوم انسانی جمع آوری شد. پژوهش‌هایی که به لحاظ روش تحقیق معتبر بودند، انتخاب شدند. ملاک اعتبار، پرسش‌ها، فرضیه‌ها، اهداف، جامعه آماری، نمونه‌گیری، روش پژوهش، روش آماری، روایی و پایایی پرسشنامه‌ها بود. برای تحلیل و ترکیب نتایج پژوهش‌ها از روش ترکیب اندازه اثر استفاده شد. نتایج نشان داد که متغیرهای «هوش هیجانی»، «شادکامی»، «تعهد سازمانی»، «رضایت زناشویی»، «برون‌گرایی»، «دلپذیر بودن»، «سلامت عمومی»، «روان‌نژندی (رابطه‌ی معکوس)»، «تاب‌آوری»، «رضایت از زندگی»، «وجدانی بودن» و «رفتار شهروندی» بیشترین همبستگی را با هوش معنوی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، سازه‌های همبسته، فرا تحلیل، روان‌سجی

* دانشجوی کارشناسی ارشد و فارغ‌التحصیل مرکز تخصصی اخلاق حوزه علمیه

Email: farhoush.mohammad@gmail.com

Email: taghian@gmail.com

Email: nasimmehr55@yahoo.com

Email: r.keshmiri33@gmail.com

** دانشجوی دکتری و استاد جامعه‌المصطفی

*** دانشجوی دکتری و مدیر مرکز مشاوره صدرا

*** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد قم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۳/۲

مقدمه

روان‌شناسان در دهه‌های اخیر در بررسی آسیب‌های روانی و انحرافات اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از اختلالات و آسیب‌ها در ناتوانی افراد برای سازگاری و حل مسئله ریشه دارد. چنین افرادی در تحلیل درست مسائل شخصی، احساس کنترل و کفایت در رویارویی با موقعیت‌های دشوار و آمادگی برای حل مسائل زندگی به شیوه مناسب مشکل دارند و نیز نگرشی منفی درباره توانایی‌های خود دارند (تاج‌آبادی‌هرات، ۱۳۹۱؛ گودرزی، سهرابی و فرخی، ۱۳۹۱). معنویت منابع پایدار خوبی برای تقویت عوامل محافظت‌کننده دارد (یزدانی، اعتباریان و ابزری، ۱۳۹۲)؛ از این‌رو، گروهی از پژوهشگران درصدد مفهوم‌سازی منابع معنوی و بررسی ارتباط آن با سلامت روانی، بهزیستی روانی و شادکامی بودند. برای مثال مفاهیم سلامت معنوی (مک دونالد، ۲۰۰۰)، تحول معنوی (ریش، ۲۰۰۱)، بهزیستی معنوی (گومز و فیشر، ۲۰۰۳) به ادبیات آکادمیک روان‌شناسی افزوده شدند. (تاج‌آبادی‌هرات، ۱۳۹۱). در میان این مفاهیم هوش معنوی بیشترین حجم مطالعات را به خود اختصاص داده است.

به‌طور کلی تعاریف هوش به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) تعاریفی که بر توانایی سازگاری با شرایط و محیط تأکید دارند. (۲) تعاریفی که بر توانایی یادگیری و آموزش‌پذیری متمرکزند. (۳) تعاریفی که بر تفکر انتزاعی و استفاده از نمادهای کلامی و عددی تأکید دارند (فیرس، جری و تیموتی، ۱۳۸۶). بنابراین، تعاریف یکی از شناسه‌های بنیادین هوش، توانایی حل کردن مسائل به گونه‌ای واقع‌بینانه و عملی است و می‌توان گفت هوش موجب سازگاری فرد با محیط می‌شود و روش‌های کارآمد حل مسئله را ارائه می‌کند (غباری‌بناب، سلیمی، سلیمانی و نوری‌مقدم، ۱۳۸۶؛ رقیبی و قره‌چاهی، ۱۳۹۲).

به‌طور کلی، سازگاری یعنی رابطه‌ای که هر ارگانیسم نسبت به وضع موجود با محیط اطراف برقرار می‌کند، فرآیندی مستمر است که موجب واکنش مناسب نسبت به محیط و با این حال تغییر دادن آن به گونه‌ای سالم و مؤثر است. فرد سازگار نسبت به توانایی‌ها و محدودیت‌های خود و محیط واقع‌بین است و هدف قابل دسترسی برای خود انتخاب می‌کند (تاج‌آبادی‌هرات، ۱۳۹۱).

ایمونز (۲۰۰۰) پس از مرور تعاریف مختلف هوش، هوش را «توانایی برای دستیابی

به اهداف در رویارویی با موانع بر اساس تصمیماتی که مبتنی بر اصول منطقی است» می‌داند (به نقل از رجایی، ۱۳۸۹) و تأکید می‌کند معنویت از آن جهت که موجب سازگاری و عملکرد بهتر می‌شود، می‌تواند به عنوان هوش مفهوم‌سازی شود (آمرام^۱، ۲۰۰۵). بسیاری از پژوهش‌ها برای افکار و هیجانات معنوی کارکردهای ویژه‌ای در جهت افزایش سازگاری و بهزیستی نشان داده‌اند (شهرابی‌فراهانی و فرح‌بخش، ۱۳۹۱) معنویت به عنوان یکی از ابعاد انسانیت شامل آگاهی، خودشناسی، باور به غیب و زندگی جهت‌دار می‌شود، همچنین معنویت نیاز فرد به فرا رفتن از خود در زندگی روزمره و یکپارچه شدن با امری مقدس است. معنویت می‌تواند جلوه‌های مختلفی داشته باشد، می‌تواند رشدیافته و یا رشدنیافته باشد (غباری‌بناب و دیگران، ۱۳۸۶؛ صمدی، ۱۳۸۵). فریدمن^۲ و مک دونالد پس از مرور معانی مختلف معنویت، مؤلفه‌های مهم آن را این چنین می‌دانند: (۱) تمرکز داشتن بر معنای نهایی (۲) آگاهی از سطوح چندگانه هوشیاری و رشد آنها (۳) اعتقاد به گرانبها و مقدس بودن زندگی (۴) ارتقای خود به یک کل بزرگتر (آمرام، ۲۰۰۵).

استیونز^۳ برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ و ایمونز و مارشال^۴ در سال ۲۰۰۰ هوش معنوی^۵ را بیان کردند. هوش و توانایی سازگاری یکی از مهم‌ترین امتیازات بشر است که او را از دیگر موجودات متمایز می‌کند (غباری‌بناب و دیگران، ۱۳۸۶). زهر^۶ و مارشال (۲۰۰۰) معتقدند هوش معنوی موجب می‌شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی، بینش عمیقی یافته، با صبر و تفکر با آنها مقابله کند و راه‌حل‌های بهتری برای آنها بیابد.

همان‌گونه که هیجان با هوش هیجانی متفاوت است، معنویت با هوش معنوی متفاوت است (شهرابی‌فراهانی و فرح‌بخش، ۱۳۹۱؛ گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱). هوش هیجانی توانایی شناخت هیجان خویش و ابراز مناسب آن و شناخت هیجان‌ها دیگران و واکنش مناسب در مقابل آن است (سلطانی، ۱۳۸۶)، به عبارت دیگر هوش هیجانی مهارت به‌کارگیری منابع هیجانی در جهت سازگاری بهتر با خویش و اطرافیان است. هوش معنوی نیز مهارت به‌کارگیری منابع معنوی در جهت افزایش بهزیستی روانی و

1. Amram, J.

2. Friedman, H.

3. Stivenz

4. Emmons, R. & Marshal, I.

5. spiritual intelligence

6. Zohar, D.

سازگاری است (سهرابی و ناصری، ۱۳۹۲، ص ۱۸). به عبارت دیگر معنویت با جستجو و تجربه عناصر مقدس، معنا، هوشیاری اوج‌یافته^۳ و تعالی^۴ در ارتباط است، در حالی که هوش معنوی مهارت‌ها و توانایی‌هایی است که از معنویت برای سازگاری و کنش اثربخش استفاده می‌کند (ایمونز^۵، ۲۰۰۰؛ آمرام، ۲۰۰۷).

هوش معنوی توانایی شناخت امور قدسی و ماورائی و استفاده از این شناخت‌ها و منابع معنوی در جهت سازگاری بهتر با محیط است. هوش معنوی مسائل را در یک بافت گسترده‌تر به لحاظ معنایی قرار می‌دهد و در نتیجه موجب افزایش توانایی حل مسئله و عملکرد مطلوب‌تر می‌شود. همچنین به رویدادها و تجارب فرد معنا و ارزش شخصی بیشتری می‌دهد (ناسل^۵، ۲۰۰۴). هوش معنوی شامل حس معنا داشتن، رسالت در زندگی، حس تقدس در زندگی و درک متعادل از ارزش ماده و بهتر شدن زندگی می‌شود (زوهر و مارشال، ۲۰۰۰).

با جمع‌آوری پژوهش‌های حوزه هوش معنوی، پژوهش‌های زیادی یافت می‌شود که همبستگی متغیرهای مشابهی را با هوش معنوی بررسی کرده‌اند. این مطالعات با وجود تشابه موضوع مورد بررسی، از لحاظ روش، جامعه آماری، نوع مطالعه (زمینه‌یابی یا آزمایشی) متفاوتند، در نتیجه یافته‌های متفاوتی را گزارش کرده‌اند، مثلاً برخی جنسیت را متغیر تعدیل‌کننده برای هوش معنوی دانستند، در حالی که برخی دیگر تعدیل‌کنندگی جنسیت را رد کرده‌اند. همچنین بین یک متغیر مانند هوش هیجانی و هوش معنوی، همبستگی‌های مختلفی را گزارش کرده‌اند. فراتحلیل با ترکیب این نتایج باهم، موجب انسجام پیشینه پژوهشی و افزایش آگاهی می‌شود.

فراتحلیل پژوهشگران را قادر می‌سازد تا نتایج مطالعات مربوط به حوزه خاص را در قالب یک سؤال پژوهشی مشخص تحلیل کنند. براساس نتایج حاصل از این بازنگری جامع است که زمینه تدوین نظریه‌های جدید فراهم می‌شود (ایزانلو و حبیبی، ۱۳۹۰). فراتحلیل، تحلیل آماری مجموعه بزرگی از یافته‌های پژوهشی به منظور یکپارچه‌سازی آن یافته‌ها است. پژوهشگر با استفاده از فراتحلیل، به جای تکیه بر یک

1. Meaning

2. Higher- Consciousness

3. Transcendence

4. Emmons, R.

5. Nasel, D.

یافته پژوهشی، نتایج واقعی تعدادی از پژوهش‌ها را با روش‌های آماری ترکیب می‌کند (بورنشتین، هجز، هیگینز و روتشتین، ۱۳۹۱، ص ۲). بنابراین، هدف فراتحلیل مقایسه یافته‌های مطالعات و ترکیب نتایج آنها به منظور به دست آوردن یک برداشت کلی و مقرون به واقعیت درباره میزان رابطه واقعی بین متغیرهاست.

مراحل فراتحلیل عبارتند از: بیان مسئله و سؤال پژوهش، بررسی ادبیات پژوهش، کدگذاری پژوهش‌ها، محاسبه شاخص اندازه اثر، تحلیل و تفسیر آماری، تهیه گزارش پژوهشی (بورنشتین و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶).

در بیان مسئله پژوهش برای فراتحلیل دو رویکرد عمده وجود دارد: ترکیب پژوهش‌ها و مقایسه پژوهش‌ها.

ترکیب پژوهش‌ها با به‌کارگیری اندازه اثر از مطالعات اولیه برای برآورد کلی اندازه اثر کاربرد دارد. مقایسه پژوهش‌ها هنگامی که مطالعات درون فراتحلیل ناهمگون باشند، کاربرد دارد. هدف مقایسه یافتن متغیرهای تعدیل‌کننده یا میانجی است که باعث تفاوت بین یافته‌ها شده است (بورنشتین و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶). بنابراین، به طور کلی اگر یافته‌ها همگون باشند، هدف برآورد اندازه اثر کلی است و اگر یافته‌ها ناهمگون باشند، هدف یافتن متغیرهای تعدیل‌کننده و معرفی آنها خواهد بود تا در پژوهش‌های بعدی تعدیل‌کنندگی این متغیرها بررسی شود. به عبارت دیگر، هدف ترکیب فراتحلیل، تشخیص میانگین اندازه‌های اثر و هدف مقایسه فراتحلیل، ارزیابی ارتباط بین این اندازه‌های اثر با ویژگی‌های مطالعات است (بورنشتین و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷).

در بررسی ادبیات پژوهش می‌بایست ملاک ورود به پژوهش تعیین شود. شناسایی منابع، انتخاب، خلاصه‌سازی و کدگذاری آنها وقت‌گیرترین و یکی از مهم‌ترین مراحل فراتحلیل است. در کدگذاری پژوهش‌ها بایستی ویژگی‌های اصلی پژوهش‌ها برای تبیین ناهمگونی اندازه‌های اثر و تعیین متغیرهای تعدیل‌کننده انجام شود. در هر مطالعه ویژگی‌های بنیادی به سؤال پژوهش فراتحلیل مربوطند؛ مثلاً ضریب همبستگی هوش معنوی و متغیر دیگر، ویژگی‌های روش‌شناختی، ویژگی‌های مربوط به طرح پژوهش هستند مانند نوع طرح پژوهش، روش نمونه‌گیری. متغیرهای خروجی به آن دسته از ویژگی‌ها اشاره دارند که با وجود عدم ارتباط با موضوع و طرح پژوهش می‌توانند بر نتیجه تأثیر بگذارند مانند محل پژوهش و رتبه علمی پژوهشگر اصلی. (بورنشتین و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸).

در فرآیند کدگذاری هر کدام از پژوهش‌ها، برای کمی ساختن نتایج پژوهش‌ها باید شاخص اندازه اثر نیز محاسبه شود. اندازه اثر به میزان حضور یک پدیده در جامعه

اشاره دارد. در طرح‌های همبستگی، می‌توان ضریب همبستگی را به عنوان شاخص اندازه اثر به کار برد. اندازه‌های اثر که از مطالعات با نمونه‌های بزرگ به دست می‌آیند، بسیار دقیق‌تر از نمونه‌های کوچک هستند، در نتیجه روش‌های آماری در فراتحلیل، میزان دقت هر اندازه اثر را وزن دادن به آنها در نظر می‌گیرد (بورنشتین و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳).

با توجه به گستردگی مطالعات انجام شده در حوزه هوش معنوی و قابلیت‌های فراتحلیل، هدف این پژوهش تلفیق نتایج تحقیقات انجام شده در حوزه هوش معنوی برای شناسایی متغیرهای همبسته با هوش معنوی است. همچنین یکپارچه کردن تحقیقات مشابه و ارائه اندازه اثر (همبستگی) هر کدام از این متغیرهاست.

روش پژوهش

در این تحقیق مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با هوش معنوی و متغیرهای همبسته با آن بررسی شد. جامعه آماری این تحقیق متشکل از مقالات و پایان‌نامه‌هایی است که در آنها یکی از متغیرهای آن هوش معنوی است. آمارگیری در این تحقیق به صورت تمام‌شماری انجام شده است.

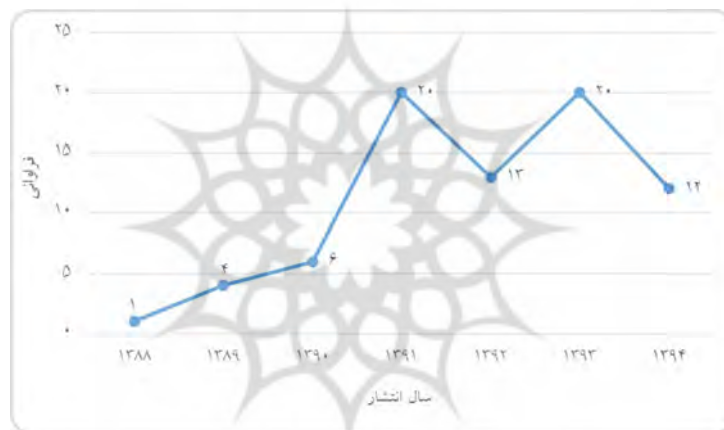
از آنجایی که تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری در زمینه هوش معنوی وجود دارد که دارای ارزش و اهمیت یکسانی نیستند، برای انتخاب تحقیقاتی که در این مطالعه از آنها بهره برده شده است، معیارهایی را در نظر گرفته و به این ترتیب تلاش شده است تا اعتبار نتایج تحقیق تقویت شود. هر تحقیق توسط دو نفر که هر دو دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بررسی و کدگذاری شده است، در صورت بروز تفاوت در اطلاعات ثبت شده از هر تحقیق، آن پژوهش دوباره بازبینی شد. در این فراتحلیل تنها تحقیقاتی که بعد از سال ۱۳۸۸ منتشر شده‌اند، انتخاب شدند، زیرا به احتمال زیاد تحقیقات قبل از آن، از قوت روش‌شناسی و تحلیل کمتری برخوردارند. از آنجا که پژوهشگران به پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری در این حوزه دسترسی نداشتند و یافته‌های این پژوهش‌ها در چکیده آنها ارائه نشده است، در این پژوهش تنها از مقالات که در نشریات علمی پژوهشی منتشر شده‌اند و یا در کنفرانس‌های پژوهشی ارائه شده‌اند و معیارهای ورود به پژوهش را داشتند، استفاده شده است. بنابراین از بین ۱۶۳ مطالعه، تنها ۷۶ تحقیق ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند. برای ترکیب یافته‌های پژوهش‌ها

و یافتن اندازه اثر هر متغیر همبسته با هوش معنوی از نرم افزار CMA2^۱ استفاده شد. از آنجایی که مبنای اصلی انجام فراتحلیل، استفاده از اندازه اثر است، این نرم افزار قادر است، آماره‌های مختلف مانند F ، t ، z و x^2 را به اندازه اثر تبدیل کند.

یافته‌ها

ابتدا ویژگی‌های پژوهش‌ها به لحاظ سال انتشار، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه، مقیاس‌های استفاده شده برای سنجش هوش معنوی و مکان پژوهش و سپس اندازه اثر هر یک از متغیرهای همبسته با هوش معنوی ارائه شده است.

سال انتشار تحقیقات: فراوانی تحقیقات به تفکیک سال‌های انتشار پژوهش در نمودار شماره ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱: فراوانی تحقیقات به تفکیک سال انتشار آنها

بیشترین تعداد تحقیق با موضوع هوش معنوی مربوط به سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ است. از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۱ تعداد تحقیقات با موضوع هوش معنوی با یک سیر صعودی روبه‌رو بوده است، به صورتی که در این سال‌ها تعداد پژوهش‌ها یادشده از یک تحقیق به بیست تحقیق افزایش یافته است. در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ فراوانی تحقیقات یادشده با افت روبه‌رو شده و در این دو سال به ترتیب ۱۳ و ۱۲ مطالعه با موضوع هوش معنوی انجام شده است.

جامعه آماری تحقیقات: جامعه آماری در ۳۵/۵ درصد تحقیقات، دانشجویان، در

۳۵/۵ درصد تحقیقات، کارکنان و مدیران ادارات، در ۹/۲ درصد، جامعه و در ۳/۹ درصد زوجین، در ۲/۶ درصد، زوجین متقاضی طلاق بوده است. سایر جوامع آماری شامل بازنشستگان، زنان باردار، سالمندان، افراد دارای سوء مصرف مواد، مراجعان مراکز مشاوره و مادران کودکان ناشنوا و نابینا، تنها در یک تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. **روش نمونه‌گیری تحقیقات:** در ۲۸/۹ درصد تحقیقات از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، در ۳۱/۶ درصد تحقیقات از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، در ۱۹/۷ درصد، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، در ۱۳/۲ درصد از روش نمونه‌گیری در دسترس، در ۵/۳ درصد تحقیقات همه اعضای جامعه آماری و روش تمام‌شماری و در یک تحقیق (۱/۳ درصد) نیز نمونه‌گیری به روش هدفمند استفاده کرده‌اند.

حجم نمونه: تعداد نمونه مورد استفاده در این تحقیقات بین ۲۰ تا ۸۰۰ نمونه بوده است که در جدول ۱ نشان داده شده است. میانگین تعداد نمونه مورد استفاده ۲۲۳/۶۷ است. بیشترین فراوانی مربوط به تحقیقاتی است که در آنها بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نمونه استفاده شده است. کمترین فراوانی نیز مربوط به تحقیقاتی است که بیشتر از ۴۰۰ نمونه بررسی شده است.

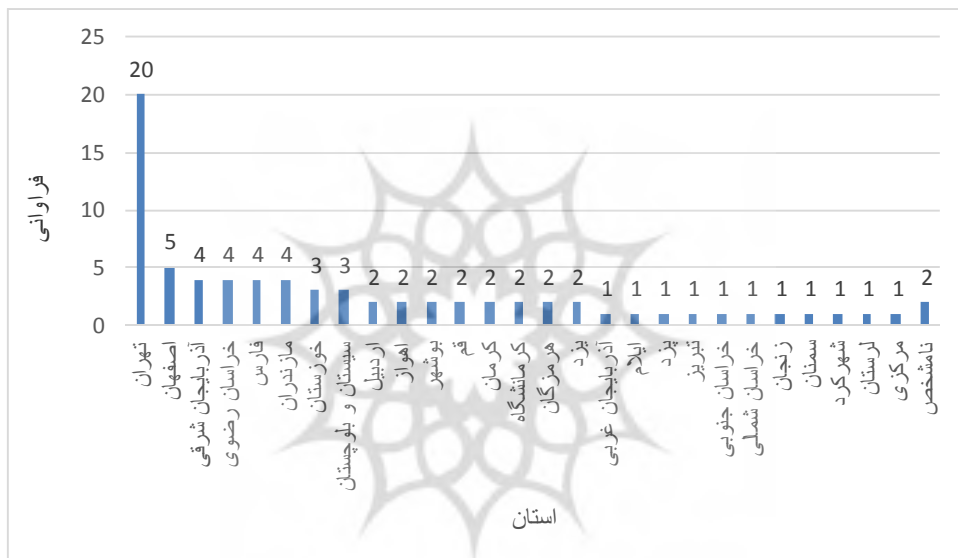
جدول ۱: تعداد نمونه مورد استفاده در تحقیقات

درصد	فراوانی	تعداد نمونه
۱۷/۱	۱۳	۱۰۰ نمونه و کمتر
۳۱/۶	۲۴	بین ۱۰۰ و ۲۰۰ نمونه
۲۳/۷	۱۸	بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نمونه
۲۳/۷	۱۸	بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نمونه
۱/۳	۱	بین ۴۰۰ و ۵۰۰ نمونه
۱/۳	۱	بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نمونه
۱/۳	۱	بیشتر از ۶۰۰ نمونه
۱۰۰/۰	۷۶	جمع
	۲۰	کمینه
	۸۰۰	بیشینه
	۲۲۳/۶۷	میانگین

مقیاس‌های استفاده شده برای سنجش هوش معنوی: در تحقیقات مورد بررسی از ابزارهای بسیاری برای اندازه‌گیری هوش معنوی استفاده شده است. در ۳۴/۲ درصد

تحقیقات از پرسشنامه کینگ^۱ (۲۰۰۸)، در ۱۸/۴ درصد از پرسشنامه عبدالله‌زاده (۱۳۸۸)، در ۱۳/۲ درصد از پرسشنامه بدیع و همکاران (۱۳۸۹)، در ۱۱/۸ درصد از پرسشنامه ناصری و سهرابی (۱۳۹۲)، در ۷/۹ درصد از پرسشنامه آمرام و دایر^۲ (۲۰۰۷) و هر یک از پرسشنامه‌های اسمیت^۳ (۲۰۰۵)، بادیه و همکاران، پارسیان^۴ (۲۰۰۹)، ناسل (۲۰۰۴) و هیلد برانت^۵ (۲۰۱۱) تنها در یک پژوهش استفاده شده است. در ۶/۶ درصد تحقیقات نیز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است.

مکان تحقیقات: استان‌های محل انجام پژوهش‌ها در نمودار شماره ۲ ارائه شده است.



نمودار ۲: فراوانی تحقیقات به تفکیک سال انتشار آنها

بیشترین فراوانی مربوط به تحقیقاتی است که در استان تهران (۲۰) انجام شده است. در مرتبه‌های بعد استان‌های اصفهان (۵)، آذربایجان شرقی (۴)، خراسان رضوی (۴)، فارس (۴) و مازندران (۴) قرار دارد. همان‌طور که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود، در سایر استان‌های کشور کمتر از چهار تحقیق انجام شده و در دو مورد مکان انجام تحقیق مشخص نشده بود.

1. David B. King.
2. Dyer, c.
3. Smith, M.
4. Parsian, N.
5. Hildbrant, S.

بررسی اندازه اثر پژوهش‌ها

در این پژوهش‌ها در مجموع رابطه متغیر هوش معنوی با ۵۹ متغیر مختلف بررسی شده است. فراوانی پژوهش‌ها و اندازه اثر هر متغیر در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: فراوانی و اندازه اثر متغیرهای همبسته با متغیر هوش معنوی

نام متغیر	فراوانی	درصد	اندازه اثر	آماره Z	سطح معناداری	نام متغیر	فراوانی	درصد	اندازه اثر	آماره z	سطح معناداری
هوش هیجانی	۱۲	۸/۸٪	۰/۳۷	۲۷/۸۷	۰/۰۰۰	بلوغ کارکنان	۱	۰/۷٪	۰/۵۴	۱۰/۳۶	۰/۰۰۰
شادکامی	۸	۵/۹٪	۰/۵۶	۲۷/۵۴	۰/۰۰۰	دلزدگی شغلی	۱	۰/۷٪	-۰/۴۳	-۴/۰۸	۰/۰۰۰
تعهد سازمانی	۷	۵/۱٪	۰/۲۵	۵/۷۰	۰/۰۰۰	ناگویی خلقی	۱	۰/۷٪	-۰/۴۳	-۴/۵۳	۰/۰۰۰
رضایت زناشویی	۶	۴/۴٪	۰/۲۹	۱۳/۱۷	۰/۰۰۰	مثبت اندیشی	۱	۰/۷٪	۰/۴۰	۷/۵۳	۰/۰۰۰
برون‌گرایی	۵	۳/۷٪	۰/۴۵	۱۶/۲۵	۰/۰۰۰	بهبودی معنوی	۱	۰/۷٪	۰/۴۰	۷/۵۲	۰/۰۰۰
دلپذیر بودن	۵	۳/۷٪	۰/۳۷	۱۲/۸۹	۰/۰۰۰	تعهد عاطفی	۱	۰/۷٪	۰/۳۹	۱/۷۲	۰/۰۸۶
سلامت عمومی	۵	۳/۷٪	۰/۳۴	۸/۷۴	۰/۰۰۰	مقابله هیجان مدار	۱	۰/۷٪	-۰/۳۹	-۷/۴۵	۰/۰۰۰
روان‌نژندی	۵	۳/۷٪	-۰/۳۴	-۱۱/۶۱	۰/۰۰۰	طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	۱	۰/۷٪	-۰/۳۷	-۳/۷۱	۰/۰۰۰
رفتار شهروندی سازمانی	۴	۲/۹٪	۰/۵۱	۱۲/۷۹	۰/۰۰۰	نوع دوستی	۱	۰/۷٪	۰/۳۵	۳/۰۲	۰/۰۰۳
تاب‌آوری	۴	۲/۹٪	۰/۴۸	۱۸/۰۵	۰/۰۰۰	گذشت	۱	۰/۷٪	۰/۳۴	۲/۸۶	۰/۰۰۴
رضایت از زندگی	۴	۲/۹٪	۰/۳۳	۱۱/۳۶	۰/۰۰۰	جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۱	۰/۷٪	۰/۳۱	۶/۱۸	۰/۰۰۰
وجدانی بودن	۴	۲/۹٪	۰/۳۰	۸/۴۲	۰/۰۰۰	خودکارآمدی تحصیلی	۱	۰/۷٪	۰/۳۱	۶/۴۵	۰/۰۰۰
کیفیت زندگی شغلی	۳	۲/۲٪	۰/۶۰	۱۹/۱۲	۰/۰۰۰	جهت‌گیری مذهبی درونی	۱	۰/۷٪	۰/۲۹	۵/۷۴	۰/۰۰۰
بهبودی روان‌شناختی	۳	۲/۲٪	۰/۵۱	۱۵/۲۳	۰/۰۰۰	احساس حقارت	۱	۰/۷٪	-۰/۲۹	-۳/۰۹	۰/۰۰۲
کیفیت زندگی	۳	۲/۲٪	۰/۵۰	۱۴/۱۰	۰/۰۰۰	خشونت	۱	۰/۷٪	-۰/۲۹	-۳/۰۹	۰/۰۰۲

۰/۰۰۰	۵/۵۲	۰/۲۷	%۰/۷	۱	خودنظم دهی	۰/۰۰۰	-۶/۷۵	-۰/۲۱	%۲/۲	۳	افسردگی
۰/۰۰۰	-۴/۳۲	-۰/۲۷	%۰/۷	۱	اضطراب امتحان	۰/۰۰۰	۶/۳۳	۰/۲۰	%۲/۲	۳	رضایت شغلی
۰/۰۰۰	۴/۰۶	۰/۲۶	%۰/۷	۱	آراستگی	۰/۰۰۰	۴/۳۷	۰/۲۰	%۲/۲	۳	تجربه پذیری
۰/۰۰۰	۳/۸۵	۰/۲۵	%۰/۷	۱	بخشودگی دیگران	۰/۰۰۰	-۵/۲۱	-۰/۱۶	%۲/۲	۳	اضطراب
۰/۰۴۰	۲/۰۶	۰/۲۵	%۰/۷	۱	وجدان کاری	۰/۰۰۰	۱۵/۳۱	۰/۶۱	%۱/۵	۲	رهبری تحول آفرین
۰/۰۰۶	۲/۷۷	۰/۲۵	%۰/۷	۱	سخت رویی	۰/۰۰۰	۱۱/۵۹	۰/۴۵	%۱/۵	۲	عزت نفس
۰/۰۰۰	۴/۶۷	۰/۲۳	%۰/۷	۱	تفکر انتقادی	۰/۰۰۰	۱۱/۵۱	۰/۴۴	%۱/۵	۲	مسئولیت پذیری
۰/۰۰۰	-۴/۲۸	-۰/۲۲	%۰/۷	۱	افکار ناکارآمد	۰/۰۰۰	-۶/۳۶	-۰/۳۶	%۱/۵	۲	اضطراب مرگ
۰/۰۰۱	۳/۲۳	۰/۲۱	%۰/۷	۱	عدالت	۰/۰۰۰	۷/۰۴	۰/۳۰	%۱/۵	۲	خودکارآمدی
۰/۰۰۰	۳/۷۴	۰/۱۹	%۰/۷	۱	انعطاف پذیری	۰/۰۰۰	۳/۵۹	۰/۱۷	%۱/۵	۲	کنترل خود
۰/۰۰۶	۲/۷۴	۰/۱۸	%۰/۷	۱	بخشودگی خود	۰/۰۰۰	-۱۸/۳۱	-۰/۹۵	%۰/۷	۱	دلزدگی زناشویی
۰/۰۳۳	۲/۱۳	۰/۱۵	%۰/۷	۱	مهارت‌های ارتباطی	۰/۰۰۰	۹/۳۴	۰/۶۹	%۰/۷	۱	اخلاق حرفه‌ای
۰/۰۷۴	۱/۷۹	۰/۱۰	%۰/۷	۱	استرس شغلی	۰/۰۰۰	۱۴/۲۱	۰/۶۶	%۰/۷	۱	سازگاری زناشویی
۰/۱۴۶	-۱/۴۵	-۰/۰۶	%۰/۷	۱	استرس	۰/۰۰۰	۷/۸۴	۰/۶۲	%۰/۷	۱	سلامت معنوی
-	-	-	-	-	-	۰/۰۰۰	-۶/۴۹	-۰/۵۸	%۰/۷	۱	پرخاشگری

با توجه به جدول شماره ۲ می‌توان متغیرهای مختلف را بر اساس دسته‌بندی مربوط به فرا تحلیل، به سه دسته تقسیم کرد. در دسته نخست مطالعاتی قرار می‌گیرند که اندازه اثر آنها کمتر از ۰/۳ است. این گروه از متغیرها رابطه ضعیفی با متغیر هوش معنوی دارند و امکان اینکه در تحقیقات مشابه، وجود رابطه بین این متغیرها با متغیر هوش معنوی رد شود، زیاد است. در این پژوهش ۲۶ متغیر در این دسته قرار دارند که عبارتند از وجدانی بودن، خودکارآمدی، جهت‌گیری مذهبی درونی، احساس حقارت، خشونت، رضایت زناشویی، خودنظم‌دهی، اضطراب امتحان، آراستگی (از اصول تعلیم و تربیت اسلامی)، تعهد سازمانی، بخشودگی دیگران، وجدان کاری، سخت‌روی، تفکر

انتقادی، افکار ناکارآمد، افسردگی، عدالت، رضایت شغلی، تجربه‌پذیری، انعطاف‌پذیری، بخشودگی خود، کنترل خود، اضطراب، مهارت‌های ارتباطی، استرس شغلی و استرس. گروه دوم، متغیرهایی هستند که اندازه اثر آنها بین ۰/۳ تا ۰/۵ است. رابطه بین این متغیرها با متغیر هوش معنوی بیشتر از گروه اول قابل اعتماد است. در این پژوهش ۲۲ متغیر در این گروه قرار گرفته‌اند که عبارتند از کیفیت زندگی، تاب‌آوری، برون‌گرایی، عزت نفس، مسئولیت‌پذیری، دلزدگی شغلی، ناگویی خلقی، مثبت‌اندیشی، بهزیستی معنوی، تعهد عاطفی، مقابله هیجان‌مدار، هوش هیجانی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، دلپذیر بودن، اضطراب مرگ، نوع‌دوستی، سلامت عمومی، روان‌نژندی، گذشت، رضایت از زندگی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی، خودکارآمدی تحصیلی.

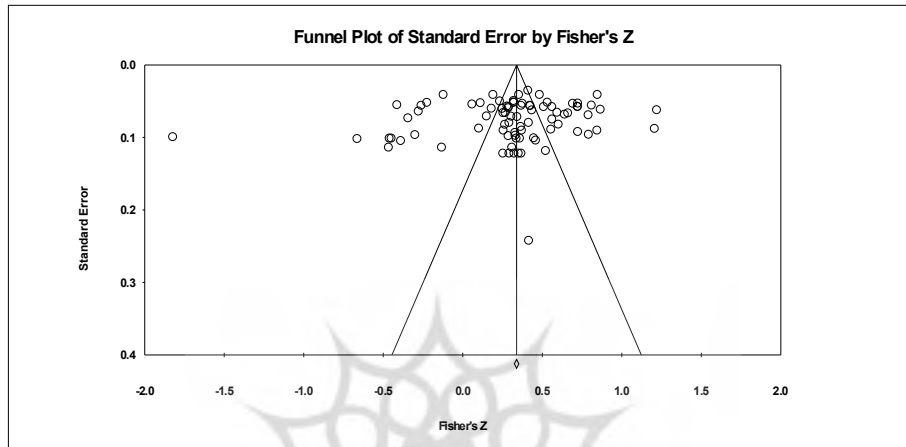
گروه سوم متغیرهایی هستند که در آنها اندازه اثر بیشتر از ۰/۵ است. وجود رابطه بین این متغیرها و متغیر هوش معنوی بسیار قابل اتکا است. به عبارت دیگر در صورتی که در پژوهش‌های مشابه با تحقیقاتی که در این مطالعه بررسی شد، بار دیگر رابطه این متغیرها با متغیر هوش معنوی بررسی شود، به احتمال بسیار زیاد باز هم این رابطه تأیید می‌شود. در این پژوهش یازده متغیر در این گروه قرار گرفته است که عبارتند از دلزدگی زناشویی، اخلاق حرفه‌ای، سازگاری زناشویی، سلامت معنوی، رهبری تحول‌آفرین، کیفیت زندگی شغلی، پرخاشگری، شادکامی، بلوغ کارکنان، بهزیستی روان‌شناختی، رفتار شهروندی سازمانی.

بنابراین، می‌توان گفت که از همه متغیرهایی که رابطه آنها با هوش معنوی در پژوهش‌های مختلف مطالعه شده است، ۴۴/۱ درصد متغیرها دارای اندازه اثر ضعیف هستند، ۳۷/۲ درصد متغیرها دارای اندازه اثر متوسط هستند و ۱۸/۷ درصد متغیرها نیز دارای اندازه اثر بزرگ هستند.

بررسی سوگیری انتشار پژوهش‌ها

بر روی نتایج پژوهش‌ها تحلیل دیگری به منظور بررسی میزان سوگیری انتشار تحقیقات انجام شد. احتمال زیادی وجود دارد که پژوهش‌هایی که نتایج آنها روابط بین متغیرها را مثبت و معنادار گزارش کرده‌اند، بیش از سایر پژوهش‌ها مورد توجه قرار گیرند و یافته‌های آنها منتشر شود، فراتحلیل چنین مطالعاتی منجر به برآورد بالای اندازه اثر می‌شود. از سوی دیگر، پژوهش‌ها دارای نتایج مثبت معنادار ممکن است چندین بار

منتشر شده باشد و پژوهشگر را به روشنی دچار سوگیری کند (ایگر و همکاران، ۲۰۰۱، به نقل از قربانی زاده، ۱۳۹۴). چنین سوگیری را سوگیری انتشار گویند. برای ارزیابی و تشخیص سوگیری انتشار از نمودار کیفی استفاده می شود (چانگ و همکاران، ۲۰۰۶، به نقل از قربانی زاده، ۱۳۹۴).



نمودار ۳: نمودار کیفی به منظور بررسی سوگیری انتشار

عدم تقارن در نمودار کیفی (نمودار شماره ۳) نشان می دهد که نتایج این فراتحلیل دارای سوگیری انتشار است. در این مورد برخی از فراتحلیل گران، روش رزنتال را پیشنهاد می کنند که در این روش تعداد مطالعات مؤید فرض صفر که باید به تحلیل اضافه شود تا نتیجه تحلیل تغییر کند، بررسی می شود. این کار با محاسبه N ایمن از خطا انجام می شود (جدول شماره ۳).

جدول ۳: محاسبات N ایمن از خطا

۴۲/۴۶	مقدار Z برای مطالعه مشاهده شده
۰/۰۰۰	مقدار P برای مطالعه مشاهده شده
۰/۰۵	آلفا
۲	باقیمانده
۱/۹۶	Z برای آلفا
۷۶	تعداد مطالعات مشاهده شده
۸۸۷۰	تعداد مطالعات گمشده ای که مقدار P را به آلفا می رساند

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که باید ۸۸۷۰ مطالعه دیگر انجام شود تا در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل‌ها خطایی رخ دهد و این نشان‌دهنده دقت و صحت بالای اطلاعات و نتایج به دست آمده در این تحقیق است. همچنین، مقدار P جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که میان اندازه‌های اثر به دست آمده تفاوت معناداری وجود دارد که نشان می‌دهد اندازه اثرهای به دست آمده ناهمگون هستند. این ناهمگونی نشان می‌دهد که متغیر تعدیل‌کننده‌ای وجود دارد که نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای کشف این‌گونه متغیرها لازم است داده‌ها به گروه‌های مختلفی براساس جنسیت، تحصیلات و... دسته‌بندی شوند و در هر یک از این گروه‌های فرعی فراتحلیل‌های مجزایی انجام شود، اما متأسفانه به دلیل اینکه در پژوهش‌های مورد بررسی، اطلاعات تفکیکی از گروه‌های مختلف به میزان کافی وجود نداشت، پژوهشگران در شناسایی متغیرهای تعدیل‌کننده موفق نبودند.

نتیجه‌گیری

بیشترین پژوهش‌ها در رابطه هوش معنوی با هوش هیجانی (۱۲)، شادکامی (۸)، تعهد سازمانی (۷)، رضایت زناشویی (۶) و برون‌گرایی، دلپذیر بودن، روان‌آزردگی (رابطه معکوس)، سلامت عمومی (۵) و تاب‌آوری، رضایت از زندگی، وجدانی بودن، رفتار شهروندی (۴) انجام شده است. در این پژوهش‌ها بزرگترین همبستگی‌ها متعلق به شادکامی (۰/۵۶)، رفتار شهروندی (۰/۵۱)، تاب‌آوری (۰/۴۸)، برون‌گرایی (۰/۴۵)، هوش هیجانی (۰/۳۷) و دلپذیر بودن (۰/۳۷)، روان‌آزردگی (۰/۳۴-) و سلامت عمومی (۰/۳۴)، رضایت از زندگی (۰/۳۳)، وجدانی بودن (۰/۳۰)، رضایت زناشویی (۰/۲۹) و تعهد سازمانی (۰/۲۵) است.

با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که هوش معنوی همچون هوش هیجانی یک ویژگی شخصیتی است که بر چگونگی افکار، احساسات و رفتار فرد در موقعیت‌های روزانه اثر می‌گذارد. به نظر می‌رسد معنویت و هوش معنوی موجب نگرش مثبت، معنادار و هدفمند به خود، دیگران و وقایع زندگی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر درحالی‌که معنویت به زندگی هدف و معنا می‌دهد، هوش معنوی مهارت توجه به هدف و معنای زندگی در هر لحظه از زندگی در جهت سازگاری، کنش‌وری بهتر و کارآمدتر است. هوش معنوی امری شناختی-انگیزشی است که مجموعه‌ای از

مهارت‌های سازگار و منابعی را که حل مسئله و دستیابی به هدف را آسان می‌کنند، معرفی می‌نماید. هوش معنوی فرد را توانمند می‌کند که با چارچوب‌بندی و تفسیر مجدد وقایع و تجارب خود، به شناختی معنوی و عمیق از موقعیت دست یابد (سیسک^۱، ۲۰۰۱) و نگرش مثبت و هدفدار به زندگی داشته باشد.

یافته‌های پژوهش با نظر روان‌شناسانی که بر ارتباط هوش معنوی و هوش هیجانی تأکید کرده‌اند، همسو است. به عنوان نمونه ویگلزورث^۲ (۲۰۰۷) معتقد است که برخی از مؤلفه‌های هوش هیجانی همچون خودآگاهی هیجانی و همدلی برای آغاز رشد هوش معنوی ضروری است. هوش هیجانی و هوش معنوی موجب هم‌افزایی یکدیگر می‌شوند (جاسیندر^۳، ۲۰۰۶).

با توجه به مطالعات منتشر شده در حوزه هوش معنوی، بیشتر پژوهش‌ها به چستی هوش معنوی، مؤلفه‌های آن و تحقیقات زمینه‌یابی و همبستگی پرداختند و طرح‌های آزمایشی که در آن هوش معنوی متغیر مستقل باشد، بسیار کم است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود که با تدوین بسته‌های آموزشی هوش معنوی، اثربخشی آن در متغیرهای دیگر بررسی شود.

پیشنهاد می‌شود با هدف تبیین سازوکار هوش معنوی در تعامل با سازه‌های مثبت و عوامل محافظت‌کننده مانند شادکامی، رضایت از زندگی، خودکارآمدی و تاب‌آوری، پژوهش‌هایی به روش کیفی و تحلیلی انجام شود. در هر مورد بایستی سازوکار روان‌شناختی و چگونگی ارتباط شناخت، باور، نگرش، هیجان و رفتار تبیین شود. پیشنهاد می‌شود در گام بعد بسته‌های آموزشی آمیخته به معنویت مانند خودکارآمدی معنوی، تاب‌آوری معنوی، رضایتمندی معنوی و شادکامی معنوی ساخته شود و اثربخشی آن بر بهزیستی روانی و سلامت معنوی با بسته‌های آموزشی سنتی خودکارآمدی، تاب‌آوری، رضایتمندی و شادکامی مقایسه شود. مثلاً مقایسه اثربخشی بسته آموزشی تاب‌آوری معنوی (تاب‌آوری با رویکرد اسلامی) با بسته آموزشی تاب‌آوری سنتی بر تاب‌آوری و بهزیستی روانی.

به نظر می‌رسد که تقویت معنویت و هوش هیجانی، موجب ارتقای هوش معنوی

1. Sisk, D. A.

2. wigglesworth, C.

3. Jasbinder, S.

می‌شود، از این‌رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌هایی اثربخشی تقویت معنویت و هوش هیجانی بر ارتقای هوش معنوی بررسی شود. همچنین به نظر می‌رسد هوش هیجانی و هوش معنوی بالاتر، سلامت معنوی بیشتری را پیش‌بینی می‌کند. پیشنهاد می‌شود در پژوهشی اثربخشی تعاملی هوش معنوی و هوش هیجانی بر رشد معنوی و سلامت معنوی بررسی شود.

با توجه به ناهمگونی مشاهده شده در مطالعات پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی به بررسی تعدیل‌کنندگی متغیرهایی چون جنسیت، تحصیلات، هوش هیجانی و... در رابطه با هوش معنوی پردازند.

آیا معنویت و کاربست آن موجب سازگاری می‌شود یا بایستی در کاربست آن مهارت‌ها و توانایی‌های خاصی داشت که منجر به سازگاری شود؟ به نظر می‌رسد که معنویت و کاربست آن مراتب دارد و مراتب بالای آن بیش از مراتب پایین‌تر آن موجب سازگاری می‌شود، به بیان دیگر هر چه مرتبه ایمان فرد بالاتر می‌رود، انگیزش و احساسات مثبت او و در نتیجه سازگاری، حل مسئله و عملکرد او بهتر می‌شود. کسانی که از مراتب بالای ایمان برخوردارند، ایمان را به همه شؤون زندگی خویش سرایت می‌دهند و تلاش می‌کنند تا همه اعمالشان در جهت تقرب به خدا و رشد معنوی باشد. از این‌رو، معنویت موجب انگیزش و احساسات مثبت می‌شود. همچنان که امیرالمؤمنین (ع) در دعای کمیل می‌فرماید: «اللهم اجعل کل اورادی ورداً واحداً».

افزون بر این هوش هیجانی، مهارت‌های روان‌شناختی و سازه‌های مثبت مانند خودآگاهی هیجانی، خودکارآمدی، تاب‌آوری نیز موجب سازگاری می‌شوند. گاهی مشاهده می‌شود برخی در محور ارتباط با خدا اخلاق بندگی خوبی دارند، اما در محور ارتباط با مردم دچار کاستی‌هایی هستند، یا به لحاظ ایمانی از مراتب بالایی برخوردارند، اما دچار شخصیت و سواسی یا کمال‌گرایی افراطی هستند یا در تربیت فرزند و خانواده ظرفیت‌ها را رعایت نمی‌کنند و انعطاف‌پذیری لازم را ندارند، آنان مهارت کافی در تعامل با دیگران را ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد که تقویت معنویت از یک‌سو و تقویت هوش معنوی و سازه‌های مثبت از سوی دیگر، موجب افزایش سلامت معنوی و بهزیستی روانی شوند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی برای بررسی فرضیه‌های زیر انجام شود:

۱. هوش معنوی رابطه میان معنویت و بهزیستی روانی را میانجی‌گری می‌کند.
۲. هوش هیجانی رابطه میان معنویت و بهزیستی روانی را تعدیل می‌کند، یعنی سطوح بالاتر هوش هیجانی موجب رابطه قوی‌تر بین معنویت و بهزیستی روانی می‌شود.
۳. هوش معنوی رابطه میان معنویت و سازه‌های مثبت مانند تاب‌آوری و خودکارآمدی را میانجی‌گری می‌کند. به عبارت دیگر، معنویت از راه هوش معنوی با سازه‌های مثبتی چون تاب‌آوری و خودکارآمدی رابطه دارد.
۴. سازه‌های مثبت با رویکرد معنوی اسلامی، چه مؤلفه‌ها و چه سازوکاری دارند؟ سازه‌هایی مانند خودکارآمدی معنوی، تاب‌آوری معنوی، عزت نفس معنوی.

محدودیت‌های پژوهش

۱. فراهم کردن یک پیشینه پژوهشی جامع و دقیق امر دشواری است. هر ساله در مجلات مختلف مقالات بسیاری چاپ می‌شود، پایان‌نامه‌های تحصیلی نیز روز به روز گسترده‌تر می‌شوند (ایزانلو و حبیبی، ۱۳۹۰). یافته‌های پایان‌نامه‌ها در چکیده آنها ارائه نمی‌شود و معمولاً دستیابی به یافته‌های آنها تنها با مراجعه حضوری به آن دانشگاه و با مراحل اداری و قانونی ممکن است.
۲. هوش معنوی همچون هوش شناختی و هیجانی، به صورت مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست، بلکه از راه مطالعه و ارزیابی اعمال فرد اندازه‌گیری می‌شود (سانتراک، ۲۰۰۳).
۳. پژوهشگر فراتحلیل ممکن است تنها منابع موجود در داخل یک زبان را مطالعه کند و از منابعی که به زبان‌های دیگر منتشر شده‌اند، غفلت کند (سوگیری زبانی) یا در انتخاب منابع به طور ضعیف عمل کند و بسیار از منابع مفید اطلاعات را نادیده بگیرد؛ مثل انتخاب مقالات منتشر شده در پایگاه اطلاعات خاصی و عدم مراجعه به سایر پایگاه‌های علمی معتبر (سوگیری انتخاب) یا منابعی را برگزیند که به طور مکرر در شکل‌های مختلف از سوی دیگران استناد شده (سوگیری استناد) و بیش از یک بار منتشر شده‌اند (سوگیری چاپ دوباره) (واپتهد، ۲۰۰۲؛ به نقل از قربانی‌زاده، ۱۳۹۴).

منابع

- ایزانلو، بلال، و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۰)، «کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مروری بر مزایا، تنگناها و روش شناسی»، *تحقیقات علوم رفتاری*، ش ۹ (پیاپی ش ۱۷)، ص ۷۰.
- بدیع، علی؛ سواری، الهام؛ باقری‌دشت بزرگ، نجمه؛ لطیفی‌زادگان، وحیده (۱۳۸۹)، ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی، اولین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تبریز، ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت‌ماه.
- بورنشتین، مایکل، هجز، لاری، هیگینز، جولیان و روتشتین، هانا (۱۳۹۱). *نرم‌افزار جامع فراتحلیل*، ترجمه علی دلاور و کامران گنجی، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
- تاج‌آبادی هرات، جعفر (۱۳۹۱)، اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر عزت نفس و سازگاری دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر هرات، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- رجایی، علیرضا (۱۳۸۹)، «هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها»، *پژوهشنامه تربیتی*، س ۵، ش ۲۲، ص ۲۱.
- رقیبی، مهوش؛ قره‌چاهی، مریم (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار»، *جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)*، س ۴، ش ۱۳، ص ۱۲۳.
- سائتراک، جان (۲۰۰۳)، *زمینه روان‌شناسی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، ج ۲، تهران: نشر رسا.
- سلطانی‌فر، عاطفه (۱۳۸۶)، «هوش هیجانی»، *اصول بهداشت روانی*، س ۹، ش ۳۶-۳۵، ص ۸۳.
- سهرابی، فرامرز؛ ناصری، اسماعیل (۱۳۹۲)، *هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن*، تهران: آوای نور.
- سهرابی فراهانی، لیلا؛ فرح‌بخش، کیومرث (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران»، *مدیریت*

و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، س ۵، ش ۸، ش ۴۴.
صمدی، پروین (۱۳۸۵)، «هوش معنوی»، اندیشه‌های نوین تربیتی، س ۲، ش ۳-۴،
ص ۹۹.

ضمیری نژاد، سمیه؛ پیلتن، مریم؛ حق‌شناس، مرتضی؛ تبرایی، یاسر و اکابری، آرش
(۱۳۹۲)، «پیش‌بینی شادکامی دانشجویان براساس هوش معنوی»، فصلنامه دانشگاه
علوم پزشکی سبزوار (اسرار)، ش ۲۰ (ویژه‌نامه)، ص ۷۷۳.
عبدالله‌زاده، حسن (۱۳۸۸)، ساخت و هنجاریابی پرسشنامه هوش معنوی، تهران: نشر
روان‌سنجی.

غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا و نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶)، «هوش
معنوی»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۲۵.
فیرس، ای، جری، و ترال، و تیموتی، جی. (۱۳۸۶)، روان‌شناسی بالینی: مفاهیم، روش‌ها
و حرفه، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رشد.

گودرزی، کوروش؛ سهرابی، فرامرز؛ فرخی، نورعلی (۱۳۹۱)، «اثربخشی تعاملی هوش
معنوی و آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود نگرش‌های دانشجویان نسبت به
مهارت‌های زندگی»، نوآوری‌های مدیریت آموزشی (اندیشه‌های تازه در علوم
تربیتی)، ش ۷ (پیاپی ش ۲۸)، ص ۶۳.

یزدانی، مریم؛ اعتباریان، اکبر؛ ابزری، مهدی (۱۳۹۲)، «بررسی اثر تعدیلی تعهد سازمانی
بر رابطه بین درک کارکنان از معنویت محیط کار و هوش معنوی در کارخانه ذوب
آهن اصفهان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ش ۱۴ (پیاپی ش ۵۲)،
ص ۷۹.

Amram, J. (2005), Intelligence beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership instance of transpersonal psychology.

Amram, J. (2007), The seven Dimension of spiritual intelligence: An ecumenical, grounded theory. San Francisco: Institute of transpersonal psychology, American Psychological Association.

Bar-on R. (2006), The Baron model of emotional-intelligence (ESI). Psicothema, 18, p. 1325.

- Elkins M, Cavendish R. Developing a Plan for Pediatric spiritual care. *Holist Nurs Pruct.* 2004; 18(4):179-86.
- Emmons, R. (2000), Are spirituality intelligence Motivation, cognition and the psychology of ultimate concern? *The international Journal for Psychology of Religion*, 10(1), pp. 3-26.
- Golman. D. (1995), *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
- Halama , P. , & strizenec , M. (2004), Spiritual , existential or both ? Theoretical considerations on the nature of higher intelligence. *studies psychologica* , 43 (3) , 239- 253.
- Hildebrand, Linda S. (2011), *Spiritual Intelligence*”: Is It Related to a Leader’s Level of Ethical Development?. School of Business and Technology, Capella University.
- Jasbinder, S. (2006), *Get your groove back how spiritual intelligence can give you the work and life you really want* foreword by Kvine Robert. Reed Business.
- King DB, DeCicco TL. A Viable Model and Self-Report Measure of Spiritual Intelligence. *International Journal of Transpersonal Studies.* 2010; 28(1): 68-85.
- Mayer, J. D. & Salovey, P. (1997), *What is emotional intelligence? Emotional development & emotional intelligence: Implications for educators*. New York: Basic Books.
- Nasel D.D. *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. [Dissertation], University of South Australia Australia: 2004.
- Sisk D.A & Torrance, E.P. (2001), *spiritual intelligence: Developing higher consciousness*. Buffalo, New York: Creative Educatin Foundation Press.
- Wiggleworth, C. (2007), *Spiritual intelligence and why it matters*. Retrieved from internet: www.consciouspursuits.com.
- Wolman, R, N. (2001), *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why is matter*. New York: Harmony Book.
- Zohar, D. & Marshal, I. (2000), *Spiritual intelligence: The ultimate intelligence*. New York, USA: Blooms Bury.